آداب تشرف
به محضر پیامبر اکرم (ص)

بسم الله الرحمن الرحیم

آداب تشرف به محضر پیامبر اکرم

نویسنده:

مشخص نشده است.

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آداب تشرف به محضر پیامبر اکرم

مشخصات کتاب

نویسنده : مجله حوزه

ناشر : مجله حوزه

مقدمه

آنچه در پی می آیـد متن سـخنرانی آیهٔ الله جوادی آملی در مدینه منوّره است که پس از پیاده کردن از نوار، با اجازه معظّم له اقدام به درج آن کردیم. این سـخنان که در جمع حجـاج خـانه خـدا و در کنـار مرقـد مطّهر پیامبر گرامی(ص) و در یک فضای عرفانی و معنوی ایراد شـده است دارای ابعاد علمی، تحقیقی و معنوی است. امیدواریم مورد اسـتفاده خوانندگان عزیز قرار گیرد.اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، الحمـدلله الـذّی هـدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا اَن هدانا الله و صـلّی الله علی جمیع الانبیاء والمرسـلین سیّما خـاتمهم و أفضـلهم محمـد(ص) و اهـل بیته الطّیبین الطّـاهرین سیّما بقیه الله ارواح مَنْ سِواه فـداه، بهم نتولّی و من اعدائهم نتبرء الی الله.

آداب تشرف به محضر پیامبر اکرم

اینجـا مـدینه منوره، حرم رسالت و ولایت است، شـهر رسول اکرم علیه آلاف التحیه والإکرام است. انسان کامل هرگز مرگ نـدارد، چون همواره زنده و شاهد است. و همه ما در مدینه، در مشـهد و محضر رسول اکرم علیه آلاف التحیه والإکرام مشرّفیم. نحوه شرف یـابی به محضـر آن حضـرت را خـدای سـبحان در قرآن کریم ارائه کرده است که چه وقت، برای چه و چگـونه به محضـر حضـرت برویم و بعد از پایان موعد چه کنیم. همه این امور را در سوره مبارکه احزاب بیان کرده و فرموده است:«یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ـ أن یؤذن» [۱] .«بـدون اجازه وارد خانه رسول اکرم علیه آلاف والتحیه والإکرام نشویـد».اگر شـما را به عنوان مهمانی دعوت کرده انـد وارد بشوید، ما اینجا مهمان رسول اکرم(ص) می باشـیم و در کنار سـفره رسالت، غذا میل می کنیم «الی طعام غیر ناظرین انیه» [۲] بـدون دعوت، حقورود نداریـد. وقتی هم شـما را دعوت کردند زود وارد نشوید بلکه منتظر پخته شدن غذا باشـید، سعی کنیـد وقتی غـذا پخت و آماده شـد برویـد «اذا طعمتم فانتشـروا»، وقتی غـذا میل کردیـد از آنجا منتشـر بشوید. وقتی هم که در محضـر حضـرت نشسـته اید سخنی که باعث انس یکدیگر است نگویید «ولا مستأنسین لحدیث انّ ذلک یوذی النبی فیستحیی منکم والله لا یستحیی من الحق» وقتی در محضـر حضرت نشسته اید، سخن دنیا طرح نکنید، با یکدیگر مؤانسه نکنید، حرفی که حکمت و معرفت در او نیست نزنید، گفتار عادی را در محضـر حضرت ترک کنید. مجلس پیغمبر مجلس علم و حکمت است، مجلس اُنس و مجلس سـرگرمی نیست، این ترجمه کوتـاهی از این آیه مبـارکه است.در این آیه فرمود: فقط مؤمنین می تواننـد برونـد، غیر مؤمنین مجـاز نیسـتند، چون خطـاب به اهـل ایمـان است «یـا ایهاالـذین آمنوا»، مؤمنین هم بی دعوت مجاز نیسـتند و محور اذن و دعوت هم پذیرایی است که رسول خدا شـما را دعوت می کند که مهمانی کند، و شما مهمان او باشید. «ولکن اذا دعیتم فَادخلوا» بروید غذای رسول اکرم را بخورید.

پذیرایی پیامبر از مهمانان چگونه است؟

این غذا چه غذایی است که رسول اکرم دعوت می کند؟ مؤمنین، مهمانانِ رسول اسلامند، در عین حال که ظاهر آیه از نظر پذیرایی صوری محفوظ است، اما از امام ششم سلام الله علیه در ذیل آیه «فلینظر الانسان الی طعامه» به نقل مرحوم کلینی(ره) رسیده است که «علمه الذی یاخذه ممن یاخذه» [۳] شما علمی را که فرا می گیرید، نظر کنید ببینید از چه کسی آن را می گیرید. گاهیطعام، یک طعام ظاهری است که با باران، مزرعه ها و باغ ها سر سبز و خرّم می شود و گاهی یک طعام حقیقی و معنوی است که غذای روح می باشد و جان را تغذیه می کند. اگر طعام در این آیه دو مصداق داشت، طعام در آیه قبلی هم دو مصداق دارد.در جای دیگر این چنین آمده است: «ما باران را نازل می کنیم، زمین را می شکافیم و با بذر افشانی غذا فراهم می کنیم». اگر منظور از این طعام، طعام ظاهری باشد، منظور از آن آب، باران است و منظور از زمین و شیار و محصول آن، وسائل و محصولات کشاورزی و مانند آن خواهد بود، ولی اگر منظور از این طعام مصداق معنویش باشد مراد از آن آب، آب حیات، و منظور از زمین، زمینه حیات و زمینه دل خواهد بود و مانند آن.پس طعام در قرآن کریم دو مصداق دارد: «طعام جسم» و «طعام روح»، آن مصداقی که طعام جسم است و دیگران با ما در آن شریکند، درباره اش فرموده: «کُلوُا وارعواانعامکم» [۴] و فرمود: «متاعاً لکم ولأنعامکم» اما آن طعامی که مصداق معنوی است، ما با فرشتگان در آن شریکیم، اگر برای فرشته مقامی است ما در تغذیه آن طعام شریک فرشته هاییم، اگر معرفت حق و توحید حق طعام معنوی است و فرشتگان از این طعام برخوردارند، خردمندان و علما همسایه فرشته اند، و لذا در کریمه «شهدالله انه لا اله الاّ هو والملائکه واولوالعلم» [۵] علما را با فرشتگان یکجا یاد می کند ;یعنی در غذای معنوی، انسان های وارسته سهیم فرشته هایند، همانطوری که در غذاهای مادی انسان با انعام شریک است. بدینگونه به ما هشدار داده که طعام بدن، شریکی پایین تر از شما دارد، ولی اگر عالم شدید شریک فرشتگان در معارفید، و اگر در جنگ شربت شهادت نوشیدید شریک فرشتگان در پروازید.ذیل آیه کریمه «جاعل الملائکة رسلًا أولی أجنحهٔ مثنی و ثلاث و رباع...» [۶] این چنین روایت شده که: شهید با فرشته هم پرواز است، جعفر طیّار با فرشتگان هم پرواز است، و عباس بن علی سلام الله علیهما با فرشتگان هم پرواز است. گاه انسان دستش را در راه خدا می دهد و با «اولی اجنحهِ مثنی و ثلاث» هم پرواز می شود. گاهی تلاش و کوشش می کند تا عارف وعالم باشد، در این صورت با فرشتگان هم شهادت است.

طعام معنوی پیامبر

پس طعام در قرآن کریم دو مصداق دارد، و خورندگان این طعام ها هم مشخص اند. و ما مهمان رسول اکرمیم، در کنار سفره طعام معنوی آن حضرت نشسته ایم تا او ما را تغذیه نماید. ما را دعوت کرده که عالم کند، بدون اذن وارد نشده ایم، بدون دعوت هم شرکت نکرده ایم. ما از این جهت به خود وعده می دهیم که با دعوت آمده ایم و امکان حضور بدنی نصیب ما شده است، و لذا خود را امیدوار می کنیم که پیام دعوت حضرت به ما رسیده است. اما اکنون که آمده ایم باید چه کنیم؟ جز این است که باید از طعام حضرت استفاده کنیم؟ اگر کسی خواست از غذای علمی حضرت استفاده کند شرطش چیست؟ فرمود: شما که مهمان پیغمبرید مبادا عمر خود را در مدینه با مؤانسه بگذرانید (مستأنسین لحدیث) مبادا دهان باز کنید و سخن عادی مطرح کنید، وقت را به اُنس و موانسه های صوری بگذرانید، باید اینجا سمیع بود و بصیر، باید شنوا بود و بینا. شما آمده اید حرف بشنوید یا حرف بزنید؟ اگر آمده اید که چیزی یاد بگیرید پس حرف نزنید کهپیغمبر را می رنجاند. (مستأنسین لحدیث ان ذلکم یوذی النبی فیستحیی منکم) مگر بین حرم و هتل فرق هست؟ مگر یک دیوار به عنوان مرز حرم حاجب است؟ اگر شب در حرم را بستند یعنی دیگر راهی برای زیارت نیست؟ پشت دیوار حرم نمی توان زیارت جامعه را قرائت کرد؟ اگر شب راه نیست نمی توان بار یافت؟ اگر یک دیوار و دو دیوار حاجب باشد که انسان نمی گوید: «من شهادت می دهم تو مقام مرا می بینی و سلام و کلام مرا می شنوی و جواب می دهی، منتها خدا اجازه نداده که من لذّت مناجات تو را درک کنم» آیا خدایی که ارحم الراحمین است او مانع

از لذایـذ مناجات است؟ یا بـدخوری و پرخوری ظاهری نمی گـذارد که انسان لذت مناجاتش را بچشد؟، یا آن استیناس و مؤانسه و مجلس انس داشـتن در مسافرخانه ها و دور زدن در کوی و برزن مانع لذت مناجات است!خداوند فرمود: «اگر مهمان رسول اکرمید مؤانسه نکنیـد و این کارِ شـما رسول اکرم را می رنجاند».در قرآن کریم آمده: «کسانی که پیغمبر را می رنجانند از رحمت خاصّه به دور می مانند». او از شـما خجالت می کشد ولی خدا استحیاء ندارد. بالصراحهٔ می گوید: اگر در محضر نبی اکرم آمده اید حرفهای عادی نزنید، به خنده کردن وقت نگذارید، به تعلیم و تعلم وقت بگذارید. آن ساعتی که مشـغول تدریسید مهمان رسول اکرمید، آن لحظه ای که سـرگرم ارشاد و هدایتیـد مهمان رسول اکرمیـد، گرچه مشغول یاد دادن احکامیـد ولی داریـد تغـذیه معنوی می کنید، گرچه سـرگرم ارشاد و هدایتیـد ولی داریـد تعلّم می کنیـد.ما نبایـد همّتمان تا این حـد باشد که در قیامت به جهنم نرویم، خدا ما را نسوزاند، این یک همّت نازلی است. در قیامت خدای سـبحان بسـیاری از انسانها را به جهنم نمی برد، کودکان را به جهنم نمی برد، دیوانه ها را به جهنم نمی برد، مستضـعفین فطری را به جهنم نمی برد. جهنم نرفتن و نسوختن که هنر نیست، با فرشـته ها هم صحبت بودن هنر است، کاری کردن که فرشـته ها به اسـتقبال انسان بیاینـد هنر است، «سـلام علیکم طبتم فادخلوها» [۷] را از زبان فرشـته ها شنیـدن هنر است. آنهـا خـدمه شـمایند. و الآـن راه در اینجـا برای رسـیدن به این مقـام بـاز است. سـاده ترین کـاری که موجب آزار پیامبر(ص) نشود آن است که مواظب خوراک و گفتارمان باشیم. این از سخنان نورانی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه است که فرمود چنـد چیز با چند چیز جمع نمی شود «لا تجتمع البطنهٔ والفطنهٔ والشـهوهٔ والحکمهٔ» [۸] پرخوردی با مصمّم بـودن جمـع نمی شـود، کسـی اهـل عزم اسـت کـه پرخـور و بـد خلق نباشـد. تبعیـت از شـهوات نفسـانی بـا حکیـم بـودن سازگـار نیست.شخصی در محضر رسول اکرم آروغ زد، حضرت فرمود: «اَقلِّل من جشأتک» [۹] چرا به خودت اجازه می دهی آنقدر بخوری که در محضـر دیگران آروغ بزنی، تو انسانی، بهمان اندازه که برایت لازم است اکتفا کن. آنها که همیشه سـیرند گرسـنگی فراوانی در قیامت در پیش دارند.

ضیافت پیامبر شب زنده داری است

مهمـان پیغمبر بودن بـا شـکم پر ممکن نیست و اگر کسـی اهـل مؤانسه باشـد شب را بـا دیگران به انس می گذرانـد و دیگرفراغتی ندارد، «انّ لک فی النهار سـبحاً طویلًا» او اجازه نمی دهد که «إنّ ناشئهٔ اللیل هی اشد وطأً و أقومُ قیلًا» [۱۰] نصیبش شود. اگر کسی مهمان رسول اکرم است، ممکن نیست از شب زنـده داری محروم باشد، زیرا پذیرائی پیامبر تهجّد است و به شب زنده داری دعوت می کنـد. ضـیافت رسول اکرم در احیـاء لیل است و با مؤانسه دوسـتان در شب، سازگار نیست. اگر خـدا فرمود: «شـما مهمان رسول اکرمید»، غذاهای رسالت را مشخص کرد، فرمود پنج نماز است که دیگران با تو شریکند و تو با دیگران سهیمی. اما این نماز ششم، نماز خاص است «;أقم الصلاهٔ لدلوک الشمس الی غسق اللیل». چهار نماز عبارتند از: ظهرین و مغربین ;یعنی از دلوک شمس تا دل شب و قرآن الفجر که پنجمین نمـاز است، همه در خوانـدن آن شـریکند. امّـا «و من اللیـل فتهجّـد به نافلهٔ لـک»، مال تو، «عسـی ای یبعثـک ربـک مقاماً محموداً» [۱۱] تـو این مقـام و سـفره را به دیگران خـواهی داد و از آنهـا پـذیرایی می کنی، چـون آنـان مهمـان توانـد.بـدیهی است که اگر کسـی مهمان پیغمبر شد، از غذای او اسـتفاده می کند و از خود سـخنی ندارد. حال که اینجا غذا را میل کرد (و اذا طعمتم فانتشروا) به اقطار عالم منتشر شوید تا همین غذاها را منتقل کنید.

تکریم خداوند از پیامبر و مؤمنان

اگر اینگونه مهمان شدید، آنگاه خداوند و همه فرشته ها بر شما صلوات و درود می فرستند، آری انسان عادی به جایی می رسد که خدای سـبحان و ملائکه بر او صـلوات بفرستند.در همین سوره مبارکه احزاب اگر صلوات خدا و فرشته ها بر رسول اکرم علیه آلاف

التحیه والإکرام مطرح است. صلوات خدا و فرشتگان بر شما هم مطرح است. اگر در این سوره فرمود: «انَ اللّهَ وَ مَلائکَته یُصَلّوُنَ عَلَی النَّبِی ّ» در همین سوره نیز فرمود: «هو الذی یُصلّی علیکم و ملائکته» [۱۲] این چه انسانی است که می تواند به جایی برسد که خدا بر او صلوات بفرستد! کاری نکنیم که افراد ساده ای که در کاروان ما هستند، به جایی برسند که در قیامت ما به شفاعت آنها محتاج باشیم.مرحوم بحرالعلوم رضوان الله علیه می گوید: مرحوم خواجه نصرالدین طوسی در درس وقتی نام سید مرتضی را برد گفت: «قال السیّد المرتضی صلوات الله علیه» برای رفع اعجاب شاگردان فرمود: «فکیف لا یُصلّی علی المرتضی!».اگر خدا بر شما صلوات می فرستد، ملائکه خدا بر شما صلوات می فرستند، این محصول مهمانی رسول اکرم است، خدا می خواهد شما را نورانی کند، وگرنه مسائل مادّی چندان ارزش ندارد، زیرا همه این مسائل رفاهی که در این یک ماهه نصیب زائران می شود، یک روزه نصیب متکاثرانی خواهد شد که وقتی از سایه قصرشان می گذری می بینی سایه آن به آسانی تمام نمی شود و لذا فرمود: «اگر خواستید بدانید دنیا چقدر می ارزد ببینید به دست چه کسی است»؟آنچه در این دو صلوات هست، این است که درباره نبی اکرم فرمود: «ان الله و ملائکته یصلّون علی النبی» [۱۳] در تصلیه بر رسول اکرم همه فرشتگان در خدمت خدای سبحان با هم صلوات می فرستند که یک تجلیل است. شما اگر خواستید از دوستتانتکریمی به عمل آورید با همه آشنایانتان یکجا به دیدار او می روید، وقتی هم خدای سبحان بر رسول اکرم صلوات می فرستد همه فرشته ها را در خدمت خود جمع می کند و می فرماید خدا و فرشتگان خدا بر نبی اکرم صلوات می فرستند، اما در همین سوره وقتی سخن از صلوات بر مؤمنین است خدا درباره مؤمنین تنها صلوات می فرستد، ملائکه هم جدا، لذا فرمود: «هوالذی یصلی علیکم و ملائکته» وقتی جمله «هو الذی یُصلّی علیکم» تمام شد، آنگاه جمله «ملائکته» را بر آن عطف کرد، در آنجا عطف مفرد بر مفرد است، در اینجا عطف جمله بر جمله.نشانه صلوات خدا و فرشتگان چیست؟ نشانه اش «لِیُخْرِجَکُمْ مِنَ الظُّلُماتِ اِلی النُّورِ» است و شما را نورانی می نماید، یک انسان نورانی به طبیعت تیره نمی نگرد.

فرازهای نورانی زیارت جامعه

ما در اینجا تنها مهمان رسول اکرم نیستیم بلکه مهمان اهل بیت هم هستیم «بقیع و ما ادریک ما البقیع؟»! شما زیارت جامعه را در مشاهد دیگر می خوانید، اما آنطور که در بقیع زیارت جلوه می کند در مشاهد دیگر ظهوری ندارد. در فرازهای نورانی زیارت جامعه عرض می کنیم: شما ای اهلبیت نبوت محدق به عرش بودید، محیط به عرش «الله» بودید، در آن جایگاه رفیع منزلت داشتید، و خدا بر ما منت نهاد شما را از عرش به فرش آورد، در بین مردم هستید، «ذکرکم فی الذاکرین و اسماءکم فی الأسماء و اجسادکم فی الاجساد و ارواحکم فی ارواح و انفسکم فی النفوس و آثارکم فی الآثار و قبورکم فی القبور، فما احلی اسمائکم واکرم انفسکم و اعظم شأنکم و اجلّ خطرکم و اوفی عهدکم و اصدق وعدکم» شما در بین مردمید، بدن های شما در بین ابدان است، نام های شما در بین نام های دیگران است، آثار شما در بین آثار دیگران و قبرهای شما هم در بین قبور است.در سایر مشاهد این جمله «قبورکم فی القبور» (قبور شما را با دیگران یکسان کردند) خیلی جلوه ندارد، زیرا قبور آنها از قبور دیگران ممتاز است، ولی در بقیع وقتی انسان کنار این قبور مطهره قرار می گیرد، می بینید چنین است. «فما احلی اسماؤکم» چقدر نام شما شیرین است. خوب اگر کسی نام حسن بن علی(ع) را ببرد، نام علی بن الحسین(ع) را ببرد، نام محمد بن علی(ع) را ببرد، نام جعفر بن محمد(ع) را ببرد و لذت نبرد، نمی تواند بگوید نام شما چقدر شیرین است، قبر شما چقدر پرجاذبه است، اثر شما چقدر شیرین است.مبادا بدون خلع نعلین وارد حرم مطهر ائمّه بقیع بشوید. به این زائران عزیز که از یک کشور فداکار شیعه آمده اند بفرمایید ادب و احترام بقیع در این نیست که خود را به قبر بیندازید، وقتی وارد می شود بعد از اذن دخول، باید کفش را همین دمِ در، بیرون آورید، آهسته آهسته قدم بردارید، تا شیرینی این جمله ها را احساس کنید. به ما گفتند وقتی در کنار این قبور رسیدید و می بینید با سایر قبرها یکسانند بگویید: «واکرم انفسکم و اعظم شأنکم و اجلّ خطرکم و اوفی عهدکم و اصدق وعدکم» و آنگاه می گوییم: «کلامکم نور و امرکم

رشد و وصیتکم التقوی و فعلکم الخیر»، حرفتان نور است. «و عادتکم الأحسان و سجیّتکم الکرم»، شما نورانی هستید، حرفهای روشنگرانه دارید و فطرت و سجیه شماکرم و بخشش است، بنابراین ما با دیگران فرق داریم. با ما چند کلمه حرف بزنید.آن بزرگواران گاهی در رؤیا با آدم حرف می زنند، گاهی در بیداری. اگر کسی در خود احساس تغییر حالت کرد بداند که ائمه بقیع سلام الله علیهم با او حرف زده اند، و اگر کسی در خود حالی ندید، نا امید نباشد. یک راه است و دیگر هیچ، و آن اشک (و سلاحه البکاء).یک میلیون نفر آمدند و زیارت کردند و رفتند، آیا ما هم باید این چنین باشیم، ما با همه مردم روی زمین فرق داریم. تنها کشوری که ولایت علی و اولاد علی«ع» در آن است، کشور ماست. تنها کشوری که به عشق شهادت آزادیش را تضمین کرده است، کشور ماست. ما آمدیم بدون شنیدن حرف اینها برگردیم؟ بدا به حال ما که چیزی نشنویم و برگردیم! حرف آنها از دل برمی خیزد، آنکه حرف را با دل گرفت با دل ها سخن می گوید «نزل به روح الامین علی قلبك لتکون من المنذرین» [۱۴] او هم با دل ها سخن می گوید. اگر تغییری در خود دیدید بفهمید حضرت با ما سخن گفت، اگر تغییری در حالمان دیدیم باید بفهمیم که بقیع با ما سخن گفته و اگر تغییری پیدا نشد بنالید تا تغییر پیدا بشود.

گریه، سلاح مبارزه با شیطان

آنکه نگذاشت ما حرف ائمه را بشنویم کیست؟ یا شیطان درون است یا شیطان بیرون آنچه نگذاشت ما این نور را احساس کنیم کیست؟ یا نفس امّاره است یا ابلیس، خوب اگر خواستیم بر این دشمن پیروز بشویم چه کنیم؟ اینجا که جای توپ و تانکنیست، این دشمن بیرون را با سلاح گرم می شود از پا در آورد، اما نفس امّاره را با کدام اسلحه از پا در بیاوریم؟. (و سلاحه البکاء) ناله و جزع و شیون انسان را فاتح می کند، زیرا اگر کسی ننالد که پیروز نمی شود، و اگر پیروز نشد بطور عادی می آید، بطور عادی برمی گردد ;حدّاکثر آن است که آن را به جهنم نبرند. آن کفاری که دسترسی به این معارف اسلامی ندارند و در دورترین نقاط عالمند آنها را به جهنم نمی برند، نسوختن که هنر نیست. انسانی که اهل دنیاست گرفتار قساوت دل و جمود عین است، پس از این فرصت حدّاکثر استفاده را بکنید.

پاورقی

[۱] احزاب: ۵۳.

[۲] «انی» (مقصوراً) یعنی غذا نضج و پخته شد و «اناء» (ممدوداً) یعنی ظرف.

[۳] بحار، ج ۲، ص ۹۶.

[۴] طه: ۵۴.

[۵] آل عمران: ۱۸.

[۶] فاطر: ۱.

[۷] زمر: ۷۹.

[۸] کافی، ج ۴، ص ۲۴۸.

[۹] سفینهٔ البحار، ج ۱، ص ۱۵۶.

[۱۰] مزمل: ۷ ۶.

[۱۱] اسراء: ۷۹ ۷۸.

[۱۲] احزاب: ۵۶.

[۱۳] احزاب: ۳۳.

[۱۴] شعراء: ۱۹۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبِيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خـدا جهاد نماییـد؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّـلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشـهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصـفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلـدادگی به اهلبیت (علیهم السـلام) بخصـوص حضـرت علی بن موسـی الرضـا (علیه السـلام) و امـام عصـر (عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف) شـهره بوده و لـذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسـی بنیانگـذار مرکز و راهی شـد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقـات قـائمیه اصـفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسـی تحت اشـراف حضـرت آیت الله حـاج سـید حسن امامی (قـدس سـره الشـریف) و بـا فعـالیت خالصـانه و شـبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشـگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شـیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السـلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسـی دقیق تر مسائـل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمنـد به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایـانه هـا ایجـاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّـلام با انگیزه نشـر معارف، سـرویس دهی به محققین و طلاـب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمنـدان به نرم افزار های علوم اسـلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سـهولت رفع ابهام و شـبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشـر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹